

تحلیلی بر انواع و مصادیق مرتد در فقه سلفیان با تمرکز بر دیدگاه ابن تیمیه^۱

علمی - مروری

حمزه علی بهرامی^۲*

مریم السادات هاشمی^{**}

چکیده

ارتداد به معنی خروج از دین اسلام یکی از مفاهیم بنیادین است که از ابتدای شکل‌گیری اسلام به موضوعی چالش‌برانگیز میان متکلمان و فقها و مفسرین تبدیل شده است. پس از رحلت رسول خدا اولین مسئله خلیفه مسلمین (ابوبکر) چنگ‌هایی بود که به خاطر ارتداد شروع شدند. در طول تاریخ اسلام مفهوم ارتداد دستاویزی برای گفتمان اهل حدیث و سلفیه تبدیل شد و با یدک کشیدن این مفهوم مخالفان خود را متهم به ارتداد کرده و خشونت‌ها و قتل‌های زیادی را مرتکب شده‌اند. در این روزها ترور سلمان رشدی مرتد بار دیگر مفهوم ارتداد را در خبرگزاری‌های بین‌المللی به زبان انداخته است. در شرایط فعلی معرفت به مفهوم و ماهیت دقیق و به‌دوراز تحریف‌شده ارتداد یک ضرورت است. بر همین اساس پژوهش پیش روی در پاسخ به این سؤال خاص که انواع و مصادیق مرتد در گفتمان سلفیان چه کسانی هستند؟ با روشی تحلیلی اسنادی به کاوش در متون سلفی با تمرکز بر دیدگاه ابن تیمیه پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده است که در نگاه سلفیان ارتداد دامنه‌ای وسیع دارد و شامل بسیاری از حاکمان اسلامی و فرق و مذاهب اسلامی شده که این وسعت معنایی برای جهان اسلام بسیار زیان‌بار هست. مصادیق ارتداد از انکار حق تعالی در اسماء و صفاتش گرفته تا نسبت دادن صفات نکوهیده و استهزاء و تمسخر خداوند و رسولش را شامل می‌شود. انکار ضروری دین و تارک الصلاه کاهلاً و همچنین فلاسفه و متصوفه و بسیاری از غالبان و تعظیم کننده شعائر و اعیاد نصارا و تشبث به کفار و استغاثه کنندگان به غیر خداوند را شامل می‌شود.

کلید واژه‌ها: مرتد، ابن تیمیه، سلفیان، کافر.

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۱/۰۵/۲۹) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۲/۰۴/۱۱)

* دانشیار گروه معارف دانشکده اهل البیت دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). bahrane1918@gmail.com

** دانشجوی دکتری موسسه آموزش عالی بانو مجتهده امین، اصفهان، ایران. hashmysadat@gmail.com

۱- مقدمه

مرتد یکی از مفاهیم فقهی کلامی است که ماهیت آن در عصر رسول خدا برای مسلمین آشنا بود. تاریخ از افراد زیادی گزارش می‌کند که در زمان رسول خدا مرتد شدند. برای مثال افرادی نظیر عبدالله بن سعد بن ابی سرح، عبدالله بن خطل، مقیس بن حبابه، حویرث بن نقیذ بن وهب، ساره کنیز عمرو بن هاشم، هند بنت عتبه، هبار بن اسود، عصماء امّ المنذر بنت مروان، کعب بن اشرف... در زمان پیامبر مرتد و از اسلام برگشتند. پیرو و متناسب با حکم فقهی کلامی مرتد ایات فراوانی نازل شده است. در بیش از نه ۹ آیه به‌طور مستقیم و در بیش از پانزده ۱۵ آیه به معنا و مفهوم ارتداد اشاره شده است. همچنین روایات فراوانی از رسول خدا نظیر « مَنْ بَدَلَ دِينَهُ فَأَقْتُلُوهُ » درباره ارتداد گزارش شده است. تاریخ گواهی می‌دهد که ارتداد یکی از اصلی‌ترین مسائل پس از رحلت پیامبر بوده است. به‌گونه‌ای که مبارزه با مرتدان و جنگ‌های رده تقریباً تمام توجه و عمر خلیفه نخست را به خود واداشت. در عصر صحابه و تابعین بسیاری از مسلمانان به بهانه ارتداد به وسیله امثال خوارج و بنی‌امیه کشته شدند. یکی از بهانه‌های شهادت امام علی و امام حسین علیه‌السلام و حادثه کربلا ارتداد آن‌ها یا خارجی نامیدن آن‌ها و خروج از دین بوده است. تاریخ از شهادت امثال شهید اول و شهید ثانی و شهید ثالث به بهانه خروج آن‌ها از دین و ارتدادشان گزارش می‌کند. امروزه با ترور سلمان رشدی مرتد مبحث ارتداد به خبر اصلی خبرگزاری‌ها تبدیل شده است. به هر حال آموزه ارتداد از همان ابتدای اسلام به یک مسئله چالش‌برانگیز تبدیل شد. در میان فرق و مذاهب اسلامی گفتمان سلفیه و حدیث‌گریان اهل سنت بیش‌ترین بهره‌کشی را از آموزه ارتداد داشته‌اند. منظور نویسنده از جریان سلفیه با همه تنوع آن جریانی نقل‌گرا و حدیث‌گرا از اهل سنت است که تقریباً شروع آن با امثال مقاتل بن سلیمان و سپس به احمد حنبل و بربهاری و در قرن هفتم با ابن تیمیه به اوج خود می‌رسد. این جریان در قرن دوازدهم با محمدبن عبدالوهاب به وهابیت مشهور می‌شود. امروزه جنبش‌های جهادی نظیر داعش، طالبان، القاعده، اخوان المسلمین، النصره،... خود را سلفی و پیرو سلف صالح و امثال ابن تیمیه حرانی می‌نامند. نظر به اینکه ابن تیمیه اصلی‌ترین نظریه‌پرداز سلفیان است و آثار و اندیشه‌های او نقشی محوری در تفکر گفتمان سلفیه دارد بر همین اساس فتاوا و باورهای نامبرده مبنای این پژوهش قرار می‌گیرد. به دیگر سخن معرفت به دیدگاه ابن تیمیه به‌نوعی

معرفت به دیدگاه این جنبش فکری از اهل سنت در جهان اسلام است. یکی از آموزه‌هایی که مستمسک جنبش‌های سلفی جهادی معاصر برای مشروعیت بخشی به مسلمان کشی و تخریب و خشونت و اعتراض و جنگ و جهاد شده است سوء برداشتی است که آن‌ها از مفهوم ارتداد می‌کنند. مرتد خواندن مردم و حاکمان کشورهای اسلامی مجوزی برای بمب‌گذاری‌ها و هجرت برای جهاد و قیام مسلحانه به وسیله جهاد گرایان سلفی شده است. به گزارش تاریخ محمدبن عبدالوهاب به بهانه ارتداد بسیاری از مسلمانان را کشت. او از مردم می‌خواست که اسلام خود را مجدد بازگو و شهادت دهند در غیر این صورت کشته می‌شدند.

پژوهش پیش روی با نظر به اهمیت آموزه ارتداد و نقش اصلی آن در شکل‌گیری جنبش‌های سلفی جهادی معاصر و نظر به اهمیت و نقش اصلی ابن‌تیمیه با روشی اسنادی تحلیلی به مطالعه انواع و مصادیق ارتداد در قاموس فکری سلفیان با تمرکز بر نگاه‌های ابن‌تیمیه پرداخته است. گفتنی است که این پژوهش یک پژوهش توصیفی و احصاء و تبیین صحیح نظریه سلفیان و ابن‌تیمیه در یک مسئله خاص است لذا کمتر به مقام تحلیل و نقد می‌پردازد.

با توجه به اهمیت مسئله و جستجویی که داشتیم تاکنون پژوهشی که مصادیق ارتداد را از نگاه سلفیان مطالعه کرده باشد یافت نشد لذا مطالعه این مسئله یک جنبه نوآورانه داشته و یک ضرورت پژوهشی و پاسخ به خلأ علمی در این زمینه است. امید است که پژوهشگران بعدی این مسئله را تکمیل کنند.

۲- مفهوم شناسی ارتداد

۲-۱- مفهوم لغوی

ارتداد "از ماده "ردد" برگرفته شده است. در لغت، به معنای مطلق رجوع از چیزی به چیز دیگر است؛ بنابراین، معنای لغوی ارتداد هیچ بار مثبت و یا منفی ندارد.

مفهوم اصطلاحی: اما معنای اصطلاحی آن به معنای بازگشت از اسلام به کفر است. بنابراین به مسلمانی که از آیین اسلام خارج شده و به کفر درآمده است «مرتد» گفته

می‌شود. راغب اصفهانی در کتاب المفردات خود ارتداد را به هر دو معنای لغوی و اصطلاحی گرفته است: یکی، به مفهوم مطلق رجوع و دیگری، بازگشت از دین به کفر. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ۴، ۲۴۸) ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «و ارتد فلان عن دینه إذا کفر بعد إسلامه» (ابن منظور، بی تا، ۲، ۳۸۰)

یکی از مفاهیم هم‌نشین با مرتد مفهوم (منتقل) است. منتقل در لغت اسم فاعل از فعل «انتقل والانتقال» است. انتقال به معنای تحول هم آمده است. معنای اصطلاحی منتقل از معنای لغوی آن خارج نیست. معنای اصطلاحی منتقل تحول و خارج شدن یک کافر از یک دین به دین دیگر است. از اشتراکات منتقل و مرتد خروج هر دو از دین است. منتها مرتد از دین حق به سوی دین باطل خارج می‌شود اما منتقل از دین باطل به دین باطل دیگری خارج می‌شود. (الشحود، بی تا، ۱، ۱۳۳)

۳- گونه شناسی آیات ارتداد در قرآن

در یک تقسیم کلی آیات ارتداد به دو قسم آیات مشتمل بر ماده رد و آیات مشتمل بر معنای رد تقسیم می‌شوند. آیاتی که واجد واژه ماده ارتداد هستند گاهی معنای لغوی ارتداد (بازگشت) از آن‌ها اراده شده است و گاهی معنای اصطلاحی (بازگشت به کفر) اما در قرآن نوعاً هر جا اراده اصطلاحی از ارتداد شده است با قید خروج از دین همراه است. در قرآن غالباً ارتداد به مفهوم لغوی آن یعنی مطلق رجوع یا درباره بازگشت به دوران جاهلیت آمده است. الف: آیات دسته اول آیاتی هستند که مشتمل بر ماده رد هستند. مانند آیات «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ» (بقره، ۲۱۷) «إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ» (ال عمران، ۱۴۹) «وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ» (مائده، ۲۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (مائده، ۵۴) «لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا» (اعراف، ۸۸) «لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا» (ابراهیم، ۱۳) «إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ» (کهف، ۲۰) «قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ فَارْتَدَّ عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا» (کهف، ۶۴) «الْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ

بصیراً» (یوسف، ۹۶) «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ» (محمد، ۲۵) ب: آیات دسته دوم آیاتی هستند که مشتمل بر مفهوم و معنای اصطلاحی رد هستند. مانند آیات «وَأَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ» (بقره، ۵۱) «مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ» (بقره، ۱۴۳) «آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ» (ال عمران، ۷۲) «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ» (ال عمران، ۸۶) «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ إِزْدَادُوا كُفْرًا» (ال عمران، ۹۰) «فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ» (ال عمران، ۱۰۶) «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ إِزْدَادُوا كُفْرًا» (نساء، ۱۳۷) «لَا تَعْتَدُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ» (۶۶ توبه) «وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ» (توبه، ۷۴) این نوع آیات هم در ادیان قبل از اسلام و هم ناظر بر عصر مسلمانان است و نوعاً معنای اصطلاحی ارتداد از آن‌ها اراده شده است.

۴- نقش ارتداد در شکل‌گیری جنبش‌های جهادی سلفی معاصر

همچنان که در مقدمه اشاره شد ارتداد یکی از مفاهیم و محرک‌های بنیادین برای حرکت‌های جهادی سلفی در جهان اسلام است. برای مثال جیش جهادی سلفی انصار السنه عراق می‌نویسد: نظام‌های حقوقی در کشورهای اسلامی نظامی شرک‌آلود و مرتد هستند. واضعان و کارکنان آن‌ها نیز مشرک هستند. رأی دادن و رأی گرفتن برای مجلس یا شورای و .. جایز نیست و اعضای آن‌ها مرتد هستند. این مجالس خانه الهه و بت هستند (مروان شحاده، ۱۳۹۵، ۹۷-۱۱۳-۱۱۶)

سلفیان تکفیری-جهادی معاصر بر این باور هستند که پس از سال ۱۹۲۴ که خلافت اسلامی از بین رفت، جامعه دوباره به جاهلیت بازگشت. جامعه کنونی مسلمانان مرتد شده و تبدیل به دارالکفر شده است. لذا حاکمان مرتد و کافر شده‌اند (فرج، بی‌تا، ۶)

به باور رهبران فعلی گروه‌های جهادی سلفی نظیر عبدالله عزام و بن‌لادن و ابومحمد مقدسی و ابوقتاده فلسطینی و ابومصعب صوری جامعه کنونی غوطه‌ور در ضلالت و جاهلیت است. احکام حقوقی جوامع فعلی مصداق آیه «افحکم الجاهیله بیغون» و جاهلیت است. حاکمان

فعلی کشورهای اسلامی جاهل و کافر و مرتد هستند. جهاد علیه آن‌ها واجب است (عزام بی تا ص ۴؛ صبور ۱۳۹۳، ص ۱۰۳) در نظر المقدسی، جهاد با کفار و حاکمان مرتد جامعه اسلامی یک واجب عینی است (صبوری ۱۳۹۳، ص ۱۰۶) المقدسی نبرد با مرتدان را بر نبرد با کفار فطری مقدم می‌داند. دلیل مقدسی آیه ۱۲۳ توبه است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» این مومنان با کفار آن‌ها هم جوار پیکار کنید. حاکمان مرتد کشورهای اسلامی کفار آن‌ها هم جوار هستند. آن‌ها مدافع صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها هستند. همچنین به اجماع علما کفر آن‌ها از کفر فطری سنگین‌تر است. زیرا بستر غارت سرمایه‌های مسلمانان بر برای صهیونیست‌ها فراهم می‌کنند (المقدسی، بی تا، وقفات مع ثمرات الجهاد، ۵۰)

سلمان العوده در رساله‌ای با نام «حی علی الجهاد» می‌نویسد: کسی که در حل تعارض میان آیات جهاد با آیات صبر قائل به منسوخ شدن آیات جهاد به وسیله آیات صبر باشد کافر و مرتد است (مروان شحاده، ۱۳۹۵، ۱۳۰). در نگاه زرقاوی فقهایی که در گوشه‌ای خزیده و به مباحث صرفاً تئوریک پرداخته و از مباحث عملی کناره‌گیری کرده‌اند به غارت حاکمان مرتد و غارت‌گر مشروعیت می‌بخشند (زرقاوی، ۱۴۲۷، ۲۲۹). بنا بر اشاراتی که شد به این نتیجه می‌رسیم که یکی از کلیدواژه‌های سلفیان جهادی در توجیه اقدامات خشن خود تمسک به مفهوم ارتداد یا مبارزه با ارتداد مسلمانان است.

۵- انواع ارتداد

۵-۱- مرتد فطری

مرتد بر دو قسم است: مرتد فطری و مرتد ملی. مرتد فطری کسی است که یکی از پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه او مسلمان باشد و بعد از بلوغش اظهار اسلام کند و پس از آن، از اسلام خارج شود.

۵-۲- مرتد ملی

مرتد ملی کسی است که پدر و مادرش در حال انعقاد نطفه او کافر باشند و بعد از بلوغ، اظهار کفر کند و کافر اصلی شود و پس از آن، اسلام بیاورد. سپس به سوی کفر برگردد؛ مانند نصرانی اصلی، که اسلام بیاورد و سپس به نصرانیتش بازگردد در تقسیمی دیگر ارتداد به چهار قسم تقسیم می‌شود. ۱- ارتداد در اعتقادات ۲- ارتداد در اقوال ۳- ارتداد در افعال ۴- ارتداد در ترک.

۳-۵- مرتد اعتقادی

ارتداد در اعتقادات نظیر شرک به خداوند، انکار خداوند، نفی صفتی از صفات ثابت شده خداوند، اثبات فرزند برای خداوند. اعتقاد به قدیم بودن و دوام عالم، (کل شی هالک الا وجهه) انکار کل یا بعض یا کلمه‌ای از قرآن، شک در اعجاز قرآن، همچنین اعتقاد به دروغ بودن آورده‌های پیامبر یا اعتقاد به حلیت محرمات نظیر حلیت زنا و شرب خمر از جمله اعتقاداتی هستند که موجب ارتداد می‌شوند.

۴-۵- مرتد قولی

نظیر سخنی که در عرف مردم از آن تنقیص و لعن و تقبیح خداوند از اسماء و صفات او اراده می‌شود.

۵-۵- مرتد فعلی

نظیر هر عمل و کنشی که شامل خفت و تنقیص یا تشبیه خداوند به مخلوقات... می‌شود. مانند نقاشی چهره و صورت خداوند یا قرار دادن قرآن در مکانی کثیف که شاهی بر عدم پذیرش قرآن است. همچنین هر عملی که موجب استخفاف قرآن باشد باعث ارتداد است. همچنان که سجده بر بت یا خورشید یا ماه موجب کفر است. انجام دادن هر عملی که موجب استهزاء اسلام باشد موجب کفر است. (الشحود، بی تا، ۱، ۱۰، و ۶۸-۷۴).

۶-۵- مرتد مجرد

مرتد مجرد جرم او فقط ارتداد است.

۵-۷- مرتد مزید

مرتد مزید افزون بر ارتداد جرم دیگری نظیر قتل، غارت و دزدی، توهین و افتراء، ازدیاد و اشتداد کفر... هم دارد (ابن تیمیه ۱۴۱۷، ۳۶۲)

۵-۸- مرتد اجماعی

مقصود از ارتداد اجماعی مرتد شدن دسته‌جمعی یک قوم یا یک شهر است. این نوع ارتداد در زمان ابوبکر اتفاق افتاد. یکی از اقدامات ابوبکر مبارزه با این نوع ارتداد بود که به جنگ‌های رده مشهور است. ابن تیمیه می‌گوید نظر به سیره ابوبکر قتال با آن‌ها واجب است. جمهور عامه نظیر مالکی‌ها و شافعی‌ها و حنبلی‌ها و ابویوسف حنفی به اعتبار غلبه اکثریت و ظهور احکام شرک سرزمین مرتدان را دارالحراب می‌نامند. گفتنی است که ابوحنیفه بنا بر سه شرط این نوع بلاد را دارالحراب می‌نامند (الشحوذ، بی تا، ۱، ۸۰)

۶- مصادیق ارتداد

ابن تیمیه در تعریف مرتد می‌نویسد مرتد کسی است که ۱- به خداوند شریک قائل شود. ۲- بغض و کینه نسبت به رسول خدا داشته باشد. ۳- قلباً منکر واجبات و محرمات رسول خدا باشد. ۴- اعتقاد داشته باشد که یکی از صحابه یا تابعین و یا تابع تابعین در همراهی با کفار جنگیده یا اجازه جنگ داده است. ۵- منکر ضروری و اجماعی دین شود ۶- معتقد به توسل و وسایل و وسایط میان خود و خداوند شود. ۷- معتقد به استغاثه باشد ۸- در صفتی از صفات خداوند شک کند .

ابن تیمیه ارتداد کفر و بلکه شدیدتر از کفر می‌داند. وی انکار شهادتین و سب خدا و رسول خدا و انکار نبوت آن حضرت و تکذیب آیات قرآن را از مصادیق ارتداد می‌داند. (ابن تیمیه

۶-۱- شرک و انکار خداوند

یکی از مصادیق ارتداد شرک به خداوند، انکار خداوند، نفی صفتی از صفات ثابت شده خداوند، اثبات فرزند برای خداوند است (الشحود، بی تا، ۱، ۶۸)

۶-۲- استهزاء و استخفاف خداوند

ابن تیمیه می نویسد به اجماع فقها کسی که خداوند را به جد یا به مزاح به قول و فعل و اعتقاد تخفیف و خوار و تحقیر نماید مرتد بوده و احکام مرتد به او صادر می شود. مستند ابن تیمیه آیه ۶۴ سوره مبارکه توبه است. همچنین ابن تیمیه ذیل آیه فوق می نویسد این آیه تصریح به کفر کسانی می کند که خداوند و آیات و فرستادگانش را به تمسخر می گیرند: «و هذا نص فی أن الاستهزاء بالله و بآياته و برسوله كفر» (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۳۷، و ۵۱۳). در نگاه ابن تیمیه هر چیزی که استخفاف و استهزاء حق تعالی شود موجب ارتداد است. استخفاف خداوند گاهی به گفتار و گاهی در افعال و گاهی در اعتقادات و باورها است (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۷، ۲۷۲؛ ابن تیمیه ۲۰۰۵، ۱۵، ۴۸؛ الشحود، بی تا، ۱، ۱۰)

۶-۳- سب خداوند

در نگاه ابن تیمیه اجماع فقها بر این است که سب خداوند اعم از جدی یا شوخی یا استهزاء موجب کفر است. مستند ابن تیمیه آیه ۶۵ سوره توبه است (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۳۷، و ۵۱۳؛ الشحود، بی تا، ۱، ۶۹). حنفی ها و مالکی ها و حنبلی ها از جمله ابن تیمیه توبه سب کننده خداوند را به شرط تأدیب و عدم تکرار پذیرفتنی می دانند (الشحود، بی تا، ۱، ۸۶)

ابن تیمیه می نویسد: اتفاق فقها بر این است که هر مسلمانی که خداوند را سب کند (به شرط عدم توبه) مرتد شده و کشته می شود. حال چنین شخصی به مراتب بدتر از حال یک کافر اصلی است. زیرا کافر دین خداوند را باطل می داند ولی سب و استهزاء نمی کند (الشحود، بی تا، ۱، ۲۵)

۴-۶- اعتقادات به قدیم بودن عالم

یکی از مصادیق ارتداد باورمندی به قدیم بودن یا باقی ماندن عالم (ازلی و ابدی) است. در نگاه سلفیان با استناد به آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» همه امور حادث است و غیر ذات حق تعالی موجود قدیمی نیست. حتی شک کردن در قدمت چیزی غیر خداوند نیز از مظاهر ارتداد است. (الشحود، بی تا، ۱، ۶۸)

۵-۶- ایمان بلا عمل (مرجئه)

ابن تیمیه می‌نویسد: کسی که باور داشته باشد یک مسلمان به صرف اقرار به شهادتین و پذیرش قلبی و جوب واجبات و حرمت محرمات (ایمان قلبی) علیرغم ترک عمل به واجبات و ارتکاب محرمات به جهنم نمی‌رود و وارد بهشت می‌شود چنین شخص نیز مرتد و کافر است. باید توبه کند اگر توبه نکرد کشته می‌شود (ابن تیمیه ۲۰۰۵، ۳۵، ۱۰۵). بنابراین در دیدگاه ابن تیمیه صرف اقرار به شهادتین تأثیر خاصی ندارد. این فتوا نزدیک به معنای ایمان از دیدگاه خوارج و معتزله است. و مخالفت با نظریه مرجئه درباره ایمان است.

۶-۶- انکار نبوت پیامبر خانم و انبیاء دیگر

یکی از مصادیق ارتداد انکار ضروریات دین است و یکی از این ضروریات نبوت پیامبر خانم است که هرکسی آن را انکار کند مرتد است. ابن تیمیه در این باره می‌نویسد: کسی که پیامبر اسلام یا یکی از انبیاء نظیر حضرت مسیح، داوود، سلیمان و موسی ... را تکذیب کند کافر و مرتد است. مستند ابن تیمیه آیاتی نظیر آیه ۸۷ و ۹۱ سوره مبارکه بقره است (ابن تیمیه ۲۰۰۵، ۲۷، ۲۸۱). ابن تیمیه می‌نویسد: «وَكَذَلِكَ يُعْتَبَرُ مُرْتَدًّا مَنْ اغْتَقَدَ كَذِبَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ مَا جَاءَ بِهِ» (الشحود، بی تا، ۱، ۶۸)

۷-۶- استهزاء و استخفاف پیامبر

یکی از مصادیق ارتداد استهزا و استخفا و توهین به پیامبر است. مستند این ادعا آیه ۶۴

سوره توبه است در شأن نزول این آیات، نقل شده که عده‌ای از منافقان در راه بازگشت پیامبر از جنگ تبوک، حضرت را مسخره می‌کردند که جبرئیل نازل شد و خطاب به پیامبر گفت: «بگو: آیا خدا و آیات او و پیامبرانش را استهزاء می‌کردید؟ عذر نیاورید. شما پس از ایمانتان کافر شدید. این آیات درباره منافقان است و گرچه آنان فقط در ظاهر مسلمان‌اند؛ ولی با آشکار کردن استهزاء، مرتد شدن ابن تیمیه ذیل آیه فوق به کفر استهزاء کنندگان خدا و رسول تصریح می‌کند (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۱۵، ۴۸؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۳۷، و ۵۱۳)

۶-۸- سب به انبیاء

سب در عرف مردم کلامی است که از ان قصد انتقاد و استخفاف می‌کنند. نظیر لعن و تقبیح به دیگر سخن سب پیامبر شامل هر چیزی است که در ان عیبی یا نقصی در رسول خدا یا نسب او یا دین او یا صفتی از صفات او یا ابروی او یا لعن او یا شتم او یا قذف او یا چیزی که پیامبر را سبک و خوار بشمارد یا نامیدن پیامبران به نام‌های ناپسند یا توصیف آن‌ها به صفات ناپسند مثل توصیف پیامبر به جادوگر و فریبکار و اینکه پیروان پیامبر ضرر می‌کنند یا اینکه آنچه پیامبر آورده است باطل است سب شامل همه این موارد می‌شود. به نظم و شعر درآوردن این امور شدیدتر از نثر آن است. زیرا معمولاً شعر در حافظه‌ها می‌ماند و تأثیر گذارتر از نثر است

ابن تیمیه اجماعی را به نقل ابن راهویه گزارش می‌کند که به اجماع مسلمین کسی که پیامبری را سب یا به قتل برساند کافر و مرتد بوده گرچه به آنچه خداوند نازل کرده اعتراف بکند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۵۱۳؛ الشحود، بی‌تا، ۳، ۳۹۶) در نگاه ابن تیمیه سب کننده رسول خدا به جد یا شوخی به اجماع فقها و بدون هیچ اختلافی مرتد بوده و سزای او قتل است از جمله مستندات ابن تیمیه استدلال به آیه ۶۱ و ۶۵ و ۶۶ سوره مبارکه توبه و آیه ۵۷ سوره احزاب است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۱، ۲۶۱؛ ابن تیمیه ۲۰۰۵، ۱۰، ۲۹۰؛ الشحود، بی‌تا، ۱، ۷۰) در مورد پذیرش توبه سب کننده پیامبر اسلام در میان مذاهب اهل سنت دو دیدگاه وجود دارد. حنفی‌ها و شافعی‌ها و برخی از حنبلی‌ها توبه سب کننده پیامبر را می‌پذیرند دیدگاه دیگری از حنبلی‌ها و همچنین مالکی‌ها این توبه را نمی‌پذیرند. و می‌گویند از باب حد نه از

باب کفر باید سب کننده کشته شود. (الشحود، بی تا، ۱، ۷۰-۸۶)

ابن تیمیه قول مشهور اهل سنت از مالک و احمد و یک دیدگاه از شافعی و دیدگاه قاضی عیاض و لیث بن سعد و ابن عقیل و قاضی و مشهور سلف و جمهور علما را در این می‌داند که هر مسلمانی که پیامبر را سب کند گرچه توبه کند توبه او پذیرفته نمی‌شود و باید کشته شود قاضی عیاض این حق را مربوط به پیامبر و امت او می‌داند. لذا با توبه سب کننده حد ساقط نمی‌شود در این دیدگاه حکم سب کننده نظیر حکم قتل نفس است که توبه قاتل حتی قبل از تسلط بر او نیز پذیرفته نیست.

از ابن تیمیه دو دیدگاه پذیرش توبه و عدم پذیرش توبه سب کننده پیامبر گزارش شده است. این دو دیدگاه به ظاهر متضاد ابن تیمیه قابل جمع است. وجه الجمع ان به این شکل است که اگر سب کننده قبل از تسلط حاکم و محاکمه توبه بکند توبه او پذیرفته می‌شود. زیرا سب از حدود الهی است. اما اگر کسی رسول خدا را سب کند و در محکمه این سب اثبات شود توبه وی پذیرفته نمی‌شود لذا حد قتل برای او جاری می‌شود. علت عدم پذیرش توبه در این است که این توبه پس از قدرت یافتن بر سب کننده است و نظیر توبه زنا کننده پس از اثبات زنا است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۳۰۹-۵۱۱؛ الشحود، بی تا، ۱، ۷۰)

یکی از معانی نزدیک به سب شماتت یا همان دشنام دادن است. ابن تیمیه از احمد و مالک و فقهای دیگر اجماعی را گزارش می‌کند که دشنام دهنده و کوچک شمارنده پیامبر اسلام کافر و مرتد و وعده عذاب داده شده است. (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۵۱۰-۵۱۳؛ الشحود، بی تا، ۳، ۳۹۷)

یکی از مظاهر سب که موجب ارتداد می‌شود کسانی هستند که معتقدند پیامبر در آورده‌های خود دروغ گو بوده است (الشحود، بی تا، ۱، ۶۸)

گفتنی است که حکم سب سایر انبیاء مقطوع النبوه نیز نظیر حکم سب رسول خاتم است. اما حکم سب انبیاء غیر مقطوع النبوه این است که باید سب کننده را زجر و ادب و مجازات نمود اما کشته نمی‌شود (الشحود، بی تا، ۱، ۷۰ و ۱۴۹)

۶-۹- سب صحابه

در نگاه سلفیان و ابن تیمیه یکی از مصادیق ارتداد سب صحابه است. ابن تیمیه از فضیل بن مرزوق گزارش می‌کند که اگر امکان داشته باشم دست و پای روافض را قطع می‌کنم ابن تیمیه در ادامه می‌نویسد برخی از اصحاب ما تصریح به کفر خوارج و روافض داشته‌اند. علت این قطع نمودن دست و پای روافض و تکفیر سب صحابه به وسیله خوارج و شیعیان است ابن تیمیه روایتی از احمد نقل می‌کند که می‌گوید کسی که به ابابکر و عمر و عایشه دشنام بگوید مسلمان نیست اما قاضی ابویعلی در رأی احمد توقف می‌کند و حکم به کفر سب کننده صحابه نمی‌دهد. و اقدام به توجیه جمله «ما اراه علی الاسلام» احمد می‌کند. ابن تیمیه پس از طرح دو دیدگاه احمد و قاضی ابویعلی نهایتاً بدون تصریح به یک دیدگاه دو قول کفر و فسق سب کننده صحابه و روافض را تقویت می‌کند. ابن تیمیه پس از گزارش اقوال مختلف می‌نویسد سب اصحاب پیامبر به حکم کتاب و سنت حرام است. آیات فراوانی از قرآن مستمسک ابن تیمیه است. افزون بر آیات فوق روایات دیگری نیز مستند ابن تیمیه است. (ابن تیمیه ۱۴۱۷، ۵۷۰)

۶-۱۰- قذف پیامبر و زنان او

ابن تیمیه از عکبری گزارش می‌کند که کسی که پیامبر را قذف کند چه توبه بکند یا توبه نکند و چه کافر ذمی باشد و چه مسلمان باشد مرتد شده و حد غلیظ که قتل است بر او جاری می‌شود (ابن تیمیه ۱۴۱۷، ۳۰۹-۳۲۰) در نگاه سلفیان و ابن تیمیه حکم قذف مادر رسول خدا و عایشه نیز کفر و سزای آن کشته شدن است (ابن تیمیه ۲۰۰۵، ۱۰، ۲۹۰؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۵۷۰) در میان صحابه عایشه نقش خاصی برای ابن تیمیه دارد. ابن تیمیه می‌نویسد: کسی که عایشه را قذف کند و تهمت و افک به او بزند. یا مصاحبت ابی بکر را انکار کند کافر بوده و توبه‌ای در کار نیست. مستند ابن تیمیه در کفر سب کنندگان عایشه آیه ۲۳ سوره مبارکه نور است وی معتقد است که این آیه در حق عایشه و همسران پیامبر نازل شده است. ابن تیمیه حکم قذف سایر همسران رسول خدا را مثل حکم قذف عایشه

می‌داند مستند ابن تیمیه در الحاق سایر همسران پیامبر به عایشه آیه ۲۶ سوره مبارکه نور است. بر حسب این آیه طعن به زنان رسول خدا طعن به خود رسول خدا است (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۵۶۸ تا ۵۷۰؛ الشحود، بی‌تا، ۱، ۱۱ تا ۱۳ و ۷۲)

۶-۱۱- اهانت و استهزاء به قرآن

به اجماع فقها مسلمانی که به قرآن عمداً و اختیاراً بدون اکراه و اضطرار توهین کند مرتد شده و حد بر او جاری می‌شود. توهین به قرآن نظیر زیر پا لگد کردن قرآن یا دستور به این کار و یا انداختن عمدی قرآن در مکان کثافات... هست. (الشحود، بی‌تا، ۱، ۶۸-۱۲۷). ابن تیمیه از شافعی ذیل آیه ۶۶ توبه گزارش می‌کند که هرکسی که آیه‌ای از آیات را به تمسخر بگیرد مرتد و کافر است (ابن تیمیه، ۱۴۱۷، ۵۱۳)

۶-۱۲- انکار ضروری دین

یکی از مصادیق مرتد کسی است که با علم به ضروری بودن بعضی یا یکی از احکام دین آن را انکار می‌کند. ابن تیمیه آیاتی را گزارش می‌کند که بر اساس آنها انکار جزئی از دین به منزله کفر است (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۳، ۹۳) در نگاه ابن تیمیه ضروری دین عبارت است: الف- یا انکار یک واجب ظاهر و متواتر مثل انکار نماز و روزه و حج و... ب- یا انکار حرمت یک حرام ظاهر و متواتر نظیر انکار حرمت فحش و ظلم و شراب و زنا و... ج- و یا انکار حلیت یک امر مباح ظاهر و متواتر نظیر انکار ازدواج و خوردن گوشت... تحقق این امور به منزله کفر و ارتداد شخص معتقد به این امور است. لذا اگر شخص توبه نکرد کشته می‌شود. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۱۱، ۴۰۶)

ابن تیمیه در مطلبی دیگر می‌نویسد: کسی که یکی از نمازهای پنج‌گانه یا یکی از واجبات اجماعی را ترک کند ابتدا توبه داده می‌شود اگر توبه نکرد کشته می‌شود. برخی از فقها گفته‌اند چنین شخصی مرتد و کافر است لذا نباید برای جنازه او نماز میت خواند و در قبرستان مسلمین دفن نمود و برخی دیگر از فقها گفته‌اند چنین شخصی نظیر قاتل یا زانی

محصنه است که کشته می‌شود منتها معامله یک مسلمان با جنازه او می‌شود. (الشحود، بی‌تا، ۱، ۱۹۳)

الف: انکار وجوب روزه و ترک آن: ابن تیمیه می‌نویسد: کسی که روزه ماه مبارک رمضان را عامداً و جاحداً افطار کند ابتدا برای توبه زندانی می‌شود و اگر توبه نکرد کشته می‌شود. زیرا به واسطه این کار کافر و مرتد شده است (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۱۱، ۴۰۶؛ الشحود، بی‌تا، ۱، ۴۸)

ب: انکار حرمت زنا و شرب خمر: اعتقاد به حلیت محرمات نظیر حلیت زنا و شرب خمر از جمله اعتقاداتی هستند که موجب ارتداد می‌شوند (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۱۱، ۴۰۶؛ الشحود، بی‌تا، ۱، ۶۸)

۶-۱۳- تارک الصلاه کاهلاً

ابن تیمیه می‌نویسد: در اینکه تارک الصلاه و تارک الزکات و تارک الصوم و الحج جاحداً مرتد است خلافی وجود ندارد. زیرا این امور از ضروریات و اجماعات دین است. اما در حکم تارک الصلاه به خاطر تنبلی سه نظریه وجود دارد. نظریه اول: یک نظریه از احمد این است که کشته می‌شود به خاطر ارتداد. نظریه دوم: کشته می‌شود از باب حد نه از باب کفر این نظریه منسوب به مالک و شافعی است. نظریه سوم: کسی که نماز را از باب تنبلی ترک کند فاسق است این نظریه حنفی‌ها است. (الشحود، بی‌تا، ۱، ۷۵)

در سخنی دیگر وقتی از ابن تیمیه درباره حکم کسی که شهادتین را گفته و اقرار می‌کند ولی نماز نمی‌خواند پرسیدند وی این‌گونه پاسخ می‌دهد: کسی که به وجوب واجبات متواتر اقرار کند و باور داشته باشد کسی که این فرایض را ترک کند مستحق عقوبت است علی‌رغم چنین اعترافی فرایض را ترک می‌کند. به اجماع مسلمین چنین شخصی نیز در دنیا و آخرت مستحق عقوبت است. اکثر علما گفته‌اند چنین شخصی امر به انجام نماز می‌شود اگر استنکاف نمود کشته می‌شود. چنین شخصی اگر اصرار به انکار خود نمود به عنوان کافر کشته شود لذا جنازه او غسل و نماز میت ندارد و در قبرستان مسلمین دفن نمی‌شود (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۳۵، ۱۰۵)

گفتنی است کسی که باور داشته باشد فوت نماز از وقتش گناهی ندارد یا باور داشته باشد می‌شود مثلاً تأخیر عمدی و خواندن نماز ظهر در شب جایز است چنین شخصی نیز مرتد و کافر بوده و اگر توبه نکند کشته می‌شود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۵، ۲۲۹)

۱۴-۶- احترام به کنیسه‌ها و زیارت اهل ذمه

ابن تیمیه می‌گوید: کسی که باور داشته باشد کنیسه‌های یهودیان خانه خداوند و محل عبادت است و همچنین زیارت اهل ذمه موجب نزدیکی به خداوند است چنین شخصی مرتد است (الشحود، بی‌تا، ۱، ۱۳۰)

۱۵-۶- فلاسفه ملحد

یکی از مصادیق ارتداد فلاسفه ملحدی هستند که پیامبری را از جنس خواب و خیال یا به قوت حدسی و قدسی می‌دانند نه به واسطه تعلیم الهی و نزول وحی و ملائکه. به دیگر سخن این فلاسفه ملحد پیامبری را به گونه‌ای طرح می‌کنند که امکان دسترسی دیگران نیز به آن وجود دارد. به این مسئله در قرآن نیز اشاره شده است. «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ» (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۲۷، ۲۸۲)

۱۶-۶- اعتقادات صوفیانه حلاج گونه

وقتی از ابن تیمیه درباره حکم قتل حلاج سؤال می‌کنند وی می‌گوید هرکسی که باورهایی نظیر باورهای صوفیانه حلاج داشته باشد مثل قول به حلول و اتحاد مسیح گونه... او کافر و مرتد است. ((ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۲، ۴۸۰؛ الشحود، بی‌تا، ۱، ۱۷۲) ابن تیمیه نگاه مثبتی به امثال ابن عربی هم ندارد. و اثری ویژه با نام «الفرقان بین اولیاء الرحمن و اولیاء الشیطان» دارد که در آن به نقد عرفا و متصوفه و امثال ابن عربی و حلاج می‌پردازد.

۱۷-۶- اعتقادات غالبانه نصیریّه گونه

فرقه نصیریّه به رهبری محمدبن نصیر یکی از فرق غالبان با عقایدی نظیر اعتقاد به الوهیت

و خداینداری امام علی است. مشهور این است که نصیری به اهل نماز و حج و روزه و زکات نیستند. و آشکارا شرب خمر می‌کنند. ابن تیمیه با استناد به سیره ابوبکر چنین فرقی را مرتد دانسته و جنگ با آن‌ها را واجب می‌داند. اموال آن‌ها به غنیمت گرفته می‌شود. کودکان آن‌ها به اسارت و زنان آن‌ها به کنیزی برده می‌شوند. ابن تیمیه سیره امام علی در اسارت و کنیزی مادر محمد حنفیه را به عنوان دلیل ذکر می‌کند (ابن تیمیه، ۲۰۰۵، ۲۸، ۵۵۳) در نگاه ابن تیمیه کسی که در حق اولیا یا حکما یا فلاسفه با اسما و صفاتی که مخصوص انبیاء است غلو کند ابتدا باید توبه کند و الا کشته می‌شود. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۱، ۲۶۲)

۶-۱۸- تعظیم اعیاد غیر اسلامی

یکی از مصادیق ارتداد بزرگداشت اعیاد اهل کتاب و یهود و نصارا است. ابن تیمیه می‌نویسد بزرگداشت این اعیاد نظیر تهیه و پخت غذای خاص و خارج از عادت یا آرایش و تزئین درخت و حیوان یا تعظیم صلیب یا جمع نمودن مردم برای طعام یا رنگ آمیزی تخم‌مرغ... علیرغم اظهار اسلام تشبث به کفار بوده و چنین مسلمانی مرتد و کافر است اگر توبه نکرد کشته می‌شود. (ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ۳، ۲۵۶) در لحظه نگارش مقاله به یاد عید کریسمس افتادم که به گزارش برخی از خبرگزاری‌ها خرید درخت تزئینی کریسمس و مجسمه بابانوئل با هزینه‌های بالا و تیریک این عید در ایران بیشتر از برخی کشورهای مسیحی بوده است.

نتیجه گیری

از نتایجی که این پژوهش به ان دست یافت عبارت‌اند از:

مفهوم ارتداد دامنه و معنایی گسترده در نزد سلفیان ابن تیمیه تبار دارد. به گونه‌ای که شامل حاکمان اسلامی و بسیاری از فرق و مذاهب اسلامی نیز می‌شود. این گستردگی معنایی ارتداد می‌تواند برای جهان اسلام زیان‌بار باشد. مصادیق ارتداد از انکار حق تعالی در اسماء و صفاتش گرفته تا نسبت دادن صفات نکوهیده و استهزاء و تمسخر خداوند و رسولش را شامل می‌شود. انکار ضروری دین و تارک الصلاه کاهلاً و همچنین فلاسفه و متصوفه و بسیاری از غالیان و تعظیم کنندگان شعائر و اعیاد نصارا و تشبث به کفار و استغاثه کنندگان به

غیر خداوند را شامل می‌شود.

با توجه به اهمیت مسئله ارتداد پیشنهاد می‌شود تا مسولان آموزشی و تربیتی کشور مبحث ارتداد را به صورت عالمانه با رویکرد پاسخگویانه به شبهات در کتب درسی دانش آموزان و دانشجویان مطرح کنند برگزاری کارگاه‌ها و کرسی‌های آزاد اندیشی خصوصاً در مناطق و دانشگاه‌های اهل سنت نشین با موضوع دیدگاه اهل سنت درباره ارتداد می‌تواند عاملی برای پاسخ به شبهات و کنترل بنیادگرایی اهل سنت در ایران باشد. همچنین به نظر دیدگاه احناف در مسئله ارتداد به دیدگاه شیعه نزدیک‌تر است لذا توصیه به تبلیغ باورهای ابوحنیفه در مسئله ارتداد در مناطق اهل سنت ایران به صورت هوشمندانه پیشنهاد می‌شود.

منابع

۱. ابن تیمیه احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۴). **دقائق التفسیر الجامع لتفسیر ابن تیمیه**. تحقیق : د. محمد السید الجلیند، دمشق: مؤسسه علوم القرآن، الطبعة الثانية.
۲. ابن تیمیه احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶). **منهاج السنة النبویة**. تحقیق : د. محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، الطبعة الأولى .
۳. ابن تیمیه احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۳). **شرح العمدة فی الفقه**، ریاض: مکتبه العبیکان، الطبعة الأولى.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶). **الصفدیة**. المحقق : محمد رشاد سالم، مصر، مکتبه ابن تیمیه، الطبعة الثانية.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷م). **الفتاوی الكبرى لابن تیمیه**، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۷). **الصارم المسلول علی شاتم الرسول**، تحقیق : محمد عبد الله عمر الحلوانی ، محمد کبیر أحمد شودری. بیروت: الناشر : دار ابن حزم - الطبعة الأولى

۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۸). **المستدرک علی مجموع فتاوی شیخ الإسلام**. تحقیق محمد بن عبدالرحمن بن قاسم، الطبعة الأولى.
۸. تفضلی هرندی، اصغر، (۱۳۸۸) **ارتداد از دیدگاه فقها**، تهران: انتشارات اطلاعات و امیرکبیر.
۹. زرقاوی ابومصعب (۱۴۲۷). **کلمات المضیه**، شبکه البراق الاسلامیه.
۱۰. صبور رحیم (۱۳۹۳). **جاهلیت در نگاه سلفیه جهادی و اثرات سوء آن بر جهان اسلام**. پژوهش نامه نقد وهابیت «سراج منیر» سال چهارم شماره ۱۶ صص ۹۰-۱۱۶.
۱۱. عزام عبدالله (بی تا) **الاسلام والمستقبل البشريه «اسلام و آینده بشریت»**. ترجمه محمد امین کیانی، بی جا.
۱۲. علی بن نایف الشحود، (بی تا) **أحكام المرتد عند شيخ الإسلام ابن تيمية**، المكتبة الشاملة، قسم کتب ابن تیمیه.
۱۳. غلامی دهقی علی (۱۳۸۱) **سیره پیامبر رحمت در مواجهه با حرمت شکنان و مرتدان**، مجله معرفت، شماره ۵۲.
۱۴. فرج عبدالسلام (بی تا). **الفريضة الغائبة، منبر التوحيد و الجهاد** (http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_136.html)
۱۵. مروان شحاده (۱۳۹۵ ش). **سیر گفتمان سلفی گری**. ترجمه محمد کاظم جعفری، تهران: انتشارات سروش.
۱۶. المقدسی ابومحمد (بی تا) **وقفات مع ثمرات الجهاد، منبر التوحيد و الجهاد**. www.tawhed.ws